

هُوَالله-ای ورقه مؤمنه، فائزه از شما حکایتی دارد و...

عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَالله

ای ورقه مؤمنه، فائزه از شما حکایتی دارد و روایتی گوید که ماه سلطان در کهف امان بود و در نهایت راحت دل و جان بعد پریشان روی دلبر حقیقی شد و آشفته موی یوسف الهی. بی سر و سامان شد و آشفته و سرگردان اگر چنین است حقست که سرگشته و پرسودائی و گمگشته و واله و شیدا. در نامه مجنونان از نام من آغازند زین پیش اگر بودم سر دفتر دانائی ع ع



هُوَالله ورقه موقنه مقبله امة الله رابه را از قبل اینعبد تکبیر ابداع ابهی ابلاغ نمائید ع ع



ORIGINAL



AUDIO